

مسئولیت افراد در تحقق اصلاح ذات‌البین از منظر قرآن کریم با تأکید بر قوانین موضوعه

عباسعلی صالحی^{۱*}

چکیده

یکی از موضوعات اساسی در رفع اختلافات، استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز و اتخاذ روشی مبتنی بر سلوک راه‌های غیر قضایی می‌باشد که از آن به قضا‌دایی یا عدالت ترمیمی تعبیر آورده می‌شود که در آیات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش، بررسی مسئولیت افراد جامعه در نهادینه کردن این موضوع خطیر در سطح جامعه از منظر قرآن کریم می‌باشد تا بدین سبب، اختلافات خانوادگی از طرق مسالمت‌آمیز کاهش یابد و موجبات تحکیم خانواده فراهم گردد. بر اساس چنین ضرورتی مقاله حاضر درصدد تبیین مبانی دینی این موضوع و تطبیق آن در قوانین موضوعه می‌باشد.

این پژوهش با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی داده‌های پژوهشی با رویکردی توصیفی تحلیلی به نتایج موردنظر دست خواهد یافت. حل اختلافات با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز مورد تأکید آیات مختلف قرآن و روایات معتبر فریقین می‌باشد. با تتبع و تحقیق در آیات شریفه قرآنی و روایات معتبر استنباط می‌گردد که قرآن کریم جهت حل اختلافات خانواده، راهکارهای مختلفی را مورد توصیه قرار داده است تا بدین سبب موجبات تحکیم خانواده تضمین گردد. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین آن راهکارها، موضوع اصلاح ذات‌البین است. اصلاح ذات‌البین، یک وظیفه عمومی تلقی گردیده که همگان در برابر آن دارای مسئولیت می‌باشند بدین جهت آیات شریفه قرآنی آن را از اسباب لطف و رحمت الهی قلمداد کرده است.

واژه‌های کلیدی: اصلاح ذات‌البین، داوری، قضا‌دایی، حکمیت، خانواده.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهرکرد

* نویسنده مسئول: abbasalisalehi@art.sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

مقدمه

تحکیم خانواده جایگاه عظیمی در رشد و تعالی جامعه اسلامی دارد. در حقیقت تکامل و سعادت جامعه، وابسته به اصول تربیتی در نهاد خانواده دارد به دلیل اهمیت این موضوع، خانواده به عنوان یک نعمت الهی معرفی گردیده شده است (روم، ۲۱). کارکرد تربیتی صحیح آن، وابسته به روابط صحیح اعضای خانواده می باشد لذا خانواده، رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران است. در آموزه های قرآنی از پیوند ازدواج با «پیمان محکم» (نساء، ۲۱). تعبیر آورده شده است و خانواده به عنوان یک نعمت الهی معرفی گردیده شده است (روم، ۲۱). لذا قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر، برای دستیابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظائف همسران و فرزندان اختصاص داده است. اصلاح ذات البین در کانون خانواده باعث استحکام مبانی و پایه های بنیادین آن شده و از تزلزل و سستی آن جلوگیری می کند و موجبات تحکیم خانواده را فراهم می آورد. یکی از معضلات جوامع امروزی، وجود تنازع و اختلاف در محیط های مختلف می باشد که این گونه اختلافات، بسترساز خصومت، کینه ورزی و جدایی را فراهم می آورد که توابع آن در محیط خانوادگی و اجتماعی، اثرات مخرب و زیانباری را به دنبال خواهد داشت لذا جهت جلوگیری از چنین توابعی، نهادینه نمودن تسالم و سازش در حل اختلافات و تنازعات، امری ضروری تلقی می گردد. این موضوع نقش مؤثری در کاهش مراجعات به سیستم قضایی کشور دارد و می تواند راهگشای حل بسیاری از اختلافات و تنازعات قرار گیرد لکن تراکم و انبوه دعاوی در امور مختلف، نیازمند تدبیر دقیق علمی جهت کاهش مراجعات به سیستم قضایی کشور می باشد؛ زیرا وجود این موضوع باعث خلل و پایین آمدن میزان دقت در فرایند دادرسی و اتلاف وقت اصحاب دعوا را فراهم می آورد لذا ارجاع دعاوی به نهادهای مردمی با نظارت قوه قضاییه می تواند در کاهش مراجعات به سیستم قضایی نقش مؤثری را ایفا نماید (رهگشا، ۱۳۸۵: ۱۴).

اصل قضازدایی یکی از دستاوردهای مهم حقوق بشر در قرون اخیر تلقی می گردد. دین مقدس اسلام، از آغاز تشریح، توجه خاصی در نهادینه نمودن رفع تخاصمات به واسطه مراجع غیررسمی نموده است و آن را به عنوان یک اصل مسلم و ضروری پذیرفته شد. با بروز اشکالات متعدد نسبت به عدالت کیفری متعارف و ناکارآمدی آن، الگوی جدید عدالت ترمیمی در سیاست جنایی مطرح گردید در حالی که اسلام از همان آغاز تشریح، این شیوه را در آیات قرآنی مورد دقت قرار داده است. رویکرد اسلام به هنجارشکنی و تعدی به اشخاص، جنبه ترمیمی داشته است اسلام به ترمیم جبران خسارت های وارده به بزه دیده اهتمام می ورزد و سعی بر آن دارد که در تعدیات و تظلمات به حقوق مردم تا آنجا که امکان دارد از کیفری شدن و اعمال مجازات اجتناب گردد.

یکی از مهم ترین ابزارها جهت نیل به این مقصود، رویکرد اصلاح ذات البین بین طرفین دعوی می باشد. این شیوه عمومیت داشته و منحصر به موارد خاصی از اختلاف نمی گردد و کلیه موارد اختلاف، مشاجره و منازعه - اعم از امور حقوقی یا کیفری - را شامل می شود.

این موضوع در قوانین، دارای سابقه و پیشینه می باشد. با توجه به ضرورت این موضوع و نهادینه شدن و به کارگیری حل و فصل غیر قضایی در حقوق موضوعه و اهتمام بیشتر نسبت به حقوق شهروندی و نیز با توجه به اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر لزوم اسلامی بودن قوانین و مقررات کشور می تواند کاربردهایی این الگو کاربردهایی در حقوق موضوعه داشته باشد تا اینکه بعد از انقلاب اسلامی در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳، نهاد قاضی تحکیم مورد شناسایی قرار گرفت. مطابق ماده ۶ این قانون، طرفین دعوی در صورت توافق می توانند برای احقاق حق و حل و فصل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند. سپس با تصویب ماده ۱۸۹ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که در ماده ۱۳۴ قانون مذکور، روند حکمیت اجباری مورد تأیید قانون گذار قرار گرفت. مبنای رسیدگی بدون تشریفات دادرسی و بر مبنای ایجاد صلح و سازش بین طرفین خواهد بود و در امور حقوقی و کیفری، صلاحیت رسیدگی را دارا می باشد (مواد ۹ و ۱۴ قانون برنامه سوم توسعه).

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال مهم می باشد که مسئولیت افراد و نهادهای قضایی در موضوع اصلاح ذات البین چیست؟ آیا این موضوع، منحصرأً وظیفه دستگاه های قضایی بوده یا اینکه همه افراد موظف به جلوگیری از تزلزل خانواده اند؟ لذا

بررسی دیدگاه آیات شریفه قرآنی و روایات معتبر در این موضوع ضروری می‌باشد. این پژوهش با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی داده‌های پژوهشی با رویکردی توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهد. در مورد موضوع اصلاح ذات البین مقالاتی به چاپ رسیده است و که می‌توان به پیشینه این موضوع اشاره نمود: الف: مقاله اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی، نجفی ابرنآبادی علی حسین، شادمان فر محمدرضا توجهی عبدالعلی که به بررسی موضوع عدالت ترمیمی در قوانین کیفری پرداخته شده است. ب: اصلاح ذات البین از دیدگاه قرآن و حدیث، رهبری، عباس؛ اردلانی، مؤده که به موضوع اصلاح ذات البین در آیات شریفه قرآن کریم و روایات اسلامی پرداخته شده است. لکن موضوع مورد پژوهش دارای پیشینه‌ای نمی‌باشد و از این منظر جدید می‌باشد.

بررسی مفاهیم کلیدی

۱.۱. مفهوم قضا‌زدایی

یکی از اصطلاحات مهم واژه قضا‌زدایی می‌باشد که ارتباط مستقیمی با موضوع اصلاح ذات البین دارد. این اصطلاح در منابع علم لغت به صورت مجزا تبیین و تعریف شده است به عبارتی دیگر از حیث واژه‌شناسی این اصطلاح یک کلمه ترکیبی است (قضا - زدایی). قضا در لغت به معنای قضا عبارت است از حکم و اتمام و امضای یک امر می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵، ۱۸۶). و در اصطلاح قضا‌زدایی، راهکاری فنی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری و قطعاً نسبی است. نسبت راهکار یادشده، امری بدیهی و منطقی است؛ زیرا قضا‌زدایی مطلق در مفهوم تعطیل نهاد دادرسی و دادگستری و حذف وظیفه‌ی قضاوت در مفهوم خاص آن، در زمره وظایف حکومت است (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). به عبارتی دیگر قضا‌زدایی به‌عنوان یکی از راهکارهای حل و فصل دعاوی قضایی خارج از فرایند دستگاه قضایی، موضوع قضا‌زدایی محاکم می‌باشد. منظور خارج ساختن مراحل رسیدگی، حل و فصل دعاوی از سیر مراحل رسمی و قانونی است که به شیوه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد. در برخی موارد، رسیدگی به دعاوی از مدار عدالت کیفری - حتی مداخله‌ی پلیس خارج می‌شود (آنسل، ۱۳۷۰: ۱۱۳). پیچیدگی و طولانی بودن مراحل دادرسی و سنگینی هزینه‌های دادرسی، باعث ترغیب مردم به شیوه‌های مسالمت‌آمیز قضاوت شورایی می‌نماید.

۲.۱. اصلاح و سازش

«اصلاح» مصدر ثلاثی مزید در باب افعال از ریشه «صلح» است و «صلح» به معنای نیک گردیدن، آشتی، سازش، آرامش، امنیت، آسودگی، عدم تباهی و فساد، برطرف شدن فساد و تباهی، نبودن اختلاف بیزاری بین مردم است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ۲۸۴). واژه اصلاح به معنای سازش دادن، آشتی دادن و برطرف کردن فساد و تباهی به کار برده شده است. اصلاح ذات البین به معنای نیکو کردن حالت فاسد و رابطه بدی که بین اشخاص یا گروه‌ها پدید آمده و برطرف کردن تیرگی روابط ایجاد شده بین آنها است. اصلاح ذات البین نقطه‌ی مقابل سخن‌چینی است. آشتی دادن تنها در روی فرد یا اشخاص دیگر اثر نمی‌گذارد بلکه بالاتر از آن، مایه‌ی ارج و توانا شدن جامعه می‌گردد به عبارتی دیگر اصلاح ذات البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ۷: ۸۳). واژه‌ی اصلاح در فرهنگ قرآنی در مقابل واژه‌ی افساد به کاررفته است و این مطلب دلالت بر نوعی تقابل و تضاد بین این دو واژه دارد (طباطبایی، ۱۹۷۳، ۱۰: ۱۱۲). به تعبیر رساتر افساد و اصلاح از زوج‌های متضاد یعنی واژه‌های اعتقادی و اجتماعی که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و به کمک یکدیگر شناخته می‌شوند.

این موضوع یکی از ضرورت‌های موجود در جوامع، گسترش فرهنگ صلح و سازش در تنازعات می‌باشد که این موضوع مورد تأکید آموزه‌های دینی قرار گرفته است. در آیات شریفه قرآنی با تعابیر مختلفی مانند شوری، اصلاح ذات البین، داوری و تحکیم ذکر شده است که به معنای آشتی دادن مردم و نیز به معنی از میان برداشتن تباهی و نادرستی در محیط اجتماعی می‌باشد (جوادی و خرمشاهی، ۱۳۷۵، ۲، ۲۲۹).

یکی از برنامه‌های مهم و مؤکد دین اسلام در مقابله با اختلاف‌های حقوقی، اصلاح ذات البین بوده که این موضوع با مشارکت آزادانه و فعال طرفین اختلاف جهت ایجاد صلح و آشتی و ترمیم خسارت‌های وارده انجام می‌پذیرد که این تأکید و اهمیت دلالت بر اهتمام دین اسلام بر این موضوع دارد تا بدین طریق، موجبات فراهم شدن آثار فردی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی میسر گردد.

در روایات اسلامی هرگونه اصلاح و سازش و رفع اختلاف در دعاوی خانوادگی مورد تأکید قرار گرفته است و کسانی که در جهت الفت و سازش، نقش ایفا کنند مستحق پاداش و ستایش دانسته شده و در مقابل تلاش برای انحلال خانواده، را مستحق لعنت و سخط الهی دانسته شده است (حر عاملی، ۱۳۸۷، ۴۸/۲۰).

۲. بررسی اصلاح ذات البین در قرآن کریم

نهادینه شدن موضوع قضا‌دایی و کاهش حجم پرونده‌های قضایی محاکم، نیازمند سازوکارهایی می‌باشد. مهم‌ترین شیوه جهت کاهش مراجعات مردمی، استفاده از روش صلح و سازش بین طرفین دعوی می‌باشد که در نصوص اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که خداوند متعال، طرفین اختلاف را توصیه به مصالحه و سازش نموده و صلح را بر هر امر دیگری ترجیح داده است.

در آیات قرآنی، این موضوع در موارد متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین ادله قرآنی در این موضوع، آیه‌ای شریفه «واصلحوا ذات بینکم» می‌باشد؛ لذا جهت تنقیح موضوع به بررسی این آیه شریفه پرداخته می‌شود.

۲.۱. تبیین آیه‌ای «واصلحوا ذات بینکم»

قرآن کریم در آیات مختلفی موضوع صلح و سازش و ترک اختلاف را مورد تأکید قرار داده است که مهم‌ترین آن‌ها آیه شریفه «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال: ۱). «(روابط) میان خودتان را اصلاح کنید و اگر ایمان دارید، از خدا و رسولش اطاعت کنید.»

این آیه در مورد اختلاف و مشاجره‌های که بین برخی از مسلمانان درباره نحوه تقسیم غنائم پس از جنگ بدر پیش آمده بود، نازل شد (طباطبایی، ۱۹۷۳، ۱، ۷). این آیه منحصر به جنگ بدر نبوده است و معروف بین مفسرین معروف است که مورد نزول آیه، باعث تخصیص حکم کلی نازل شده در آن نمی‌گردد و به قرینه الف و لم موجود در آن، افاده استغراق و عمومیت دارد لذا در هر موردی که اختلاف و نزاعی در جریان باشد، قابل تطبیق و جریان می‌باشد. بنابراین نتیجه‌ی تقوای الهی و اصلاح ذات‌البین، اطاعت خداوند متعال و پیامبر اسلام (ص) می‌باشد و به جهت اهمیت چنین موضوع، این مسئله از مهم‌ترین فرائض ایمانی محسوب شده است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ۱۲، ۱۱۶). چنانچه در آیه‌ای دیگر، خداوند متعال در صورت نزاع و درگیری بین دو گروه از مسلمانان، دستور صلح و آشتی داده است (حجرات: ۴۹). چنانچه شأن نزول آن، مربوط به مشاجره لفظی بین دو دسته از مسلمانان بوده و به مرحله‌ی جنگ و خونریزی نرسیده بود که آیه‌ای فوق نازل گردیده است (طبرسی، بی تا، ۹، ۱۳).

بدین جهت قرآن کریم در موارد منازعه بین افراد، سفارش به اصلاح ذات البین و ایجاد صلح و برقراری آشتی بین طرفین دعوی می‌دهد و دیگران را به اصلاح و ایجاد دوستی بین اشخاص متخاصم تشویق و ترغیب می‌نماید.

آیه مذکور از آن جهت اهمیت دارد که از مهم‌ترین ادله اصلاح ذات البین تلقی می‌گردد و پشتوانه اصلی اصل قضا‌دایی و کاهش اختلافات و تنازعات تلقی می‌گردد. بدین جهت اصلاح و سازش بین افراد به‌عنوان یک عمل صالح و به‌عنوان وظیفه‌ی خطیر و اساسی شخص مومن توصیه شده است و آن را از اسباب لطف و رحمت الهی قلمداد کرده است. در آموزه‌های قرآنی، موضوع سازش و رفع اختلاف بین افراد مورد تأکید قرار گرفته است و تلاش‌هایی که در جهت سازش و حل اختلاف بین طرفین دعوی انجام می‌شود بهتر از پیمودن راه‌های کیفری تلقی گردیده است؛ زیرا جریان رفع اختلاف و کشمکش بدون مراحل دادرسی و صرف هزینه‌های سنگین و با حضور افراد متعهد و مورد احترام ادامه می‌یابد و می‌تواند در روند صلح و سازش تأثیر شگرف و مؤثری داشته باشد.

داوری و توافق طرفین در حل اختلافات خانوادگی نه تنها باعث زوده شدن صلاحیت و اراده انحصاری قاضی حرفه‌ای می‌گردد بلکه رسیدگی‌های قضایی را در موقعیتی فرعی و ثانوی قرار می‌دهد؛ زیرا دخالت قاضی در شرایطی توجیه‌پذیر است که تلاش‌های خیرخواهانه میانجی طرفین در قطع و فصل مخاصمات بی‌تأثیر بماند (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۵۱).

صلح و سازش بین افراد، باعث زوده شدن نفرت و کینه از جامعه‌ی اسلامی می‌گردد و در سلامت اجتماعی جامعه تأثیرگذار خواهد بود بنابراین اصلاح ذات البین و برقراری صلح بین افراد اختصاص به گروه خاصی نداشته نیک و وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد که لفظ «وَأَصْلِحُوا» به دلیل اطلاق و عمومیت و عدم تخصیص چنین معنایی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۲.۲. تحقق اصلاح و سازش در سایه حکمیت

یکی از موضوعات مهم و اساسی در روابط افراد، وجود اختلافات و تنازع میان آن‌ها می‌باشد که باعث ایجاد خصومت و تفرقه در روابط آنان می‌گردد. مطابق آیات شریفه قرآنی، هر گاه بین تعدادی از مسلمانان، نزاع و مشاجره‌ای واقع گردد اولاً باید تقوا پیش گیرند که در این حالت، تقوا به دوری از نزاع و خصومت و تفرقه است و ثانیاً دیگر افراد جهت حفظ صلح و سازش، تلاش نمایند. بدیهی است برقراری تسالم و سازش در صورتی امکان‌پذیر است که طرفین نزاع، نسبت به اجرای آن، توافق نمایند. اصلاح ذات البین و ترک خصومت در صورتی میسر است که طرفین دعوی، نسبت به این موضوع متمایل باشند و الا اگر یکی از طرفین نزاع، خواهان صلح نبوده و بر گروه دیگر تجاوز نماید، مطابق برخی آیات قرآنی بایستی ظلم آنان دفع گردد (حجرات: ۹) در برخی دیگر از آیات شریفه قرآنی، شرط رفع اختلاف و فصل خصومت، تمایل طرفین دعوی نسبت به انجام مراحل مصالحه و سازش می‌باشد (نساء/۳۵) البته جهت رسیدن به تسالم و سازش، گذشت از برخی حقوق توسط طرفین دعوی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد تا بدین طریق طرفین اختلاف بتوانند به مصلحت بیشتری نائل گردند چنانچه در موضوع اختلاف زوجین، لازمه‌ی تفاهم و نیل به تحکیم و حفظ بنیانهای خانواده، گذشت از برخی حقوق و امتیازات می‌باشد.

مطابق ظاهر آیه‌ی مذکور (نساء: ۳۵) رفع اختلاف از طریق صلح و سازش با زوجین بوده است که جهت تحکیم و حفظ بنیانهای خانواده بایستی از برخی حقوق خویش گذشت نمایند و در صورت عدم توافق، مسئله‌ی دخالت دیگران جهت حل اختلاف مطرح می‌گردد که مورد آن، ناسازگاری از جانب زوجین می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۸، ۷۷۱). این مطلب مورد تأیید برخی مفسرین اهل سنت قرار گرفته است (شافعی، ۱۴۰۳، ۵، ۱۲۴).

خداوند متعال جهت استحکام بنیانهای اساسی خانواده و جلوگیری از فروپاشی و تزلزل آن به شیوه‌ی معقول، ارجاع اختلافات را به نهاد داورى پیشنهاد نموده است. بدین جهت در نظام حقوقی کشور چنین نهادی مقرر شده است و قانون‌گذار جهت جلوگیری از اختلاف در مواردی، زوجین را ارجاع به داور داده است. داورى در محاکم خانواده که قرآن کریم از آن به حکمیت تعبیر آورده است با توجه به ماهیت خاص نهاد خانواده و به منظور ایجاد صلح و سازش بین زوجین شکل گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۸۵). ارجاع اختلافات زوجین به نهاد داورى بنا بر تحقق سازش و جلوگیری از تفرق و جدایی در نظام خانواده شکل گرفته است. یکی از آیات بنیادین در وضع قوانین خانواده، آیه‌ی مذکور می‌باشد تا جایی که برخی مفسرین، اصل تشریح حکمیت و نهاد داورى در محاکم را ناظر به این آیه‌ی شریفه دانسته‌اند و مبنای آن تلقی کرده‌اند (معرفت، ۱۳۷۲: ۸۲). برخی دیگر مشروعیت قاضی تحکیم را مبنی بر وجود آیات دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ زیرا یکی از طرفین دعوا درصدد انجام منکر و قاضی تحکیم درصدد ممانعت از ارتکاب عمل مورد نظر می‌باشد (محمدی گیلانی، بی تا: ۶۳). چنین شیوه‌ای باعث کاهش مراجعات مردمی به نهادهای قضایی می‌گردد بدین جهت سیاست کیفری اسلام حاکی از سلوک راه‌های غیر کیفری در حل اختلافات دارد؛ زیرا مطابق نص صریح قرآن کریم، ارجاع اختلافات جهت رفع تنازع به محاکم قضایی در صورت عدم تأثیر تلاش‌های خیرخواهانه‌ی میانجیگری موثر خواهد بود (نساء: ۳۵). و بنا بر نص صریح آیات دیگر اجرای عدالت از طریق مشارکت آحاد مردم مورد توجه قرار گرفته است (حدید، ۲۵). لذا مشارکت مردم در حل اختلافات خانوادگی می‌تواند از اضمحلال خانواده جلوگیری کند. به دلیل اهمیت چنین موضوعی نهاد داورى پیش بینی شده است. ارجاع اختلافات به نهاد داورى در صورت بروز عداوت و کدورت حاصل می‌گردد که قرآن از واژه‌ی «شقاق» تعبیر آورده است. منظور از خوف شقاق، بیم از استمرار شقاق است؛

زیرا از شقاق گذشته نباید بیم داشت و آینده هم معلوم نیست، بیم از دوام و استمرار اختلاف و دشمنی است که گزینش داور را ایجاب می‌کند (صفای و امامی، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

۳. مستندات روایی اصلاح ذات البین

یکی از مبانی مهم اصل قضازدایی، روایات معتبر اسلامی می‌باشد که این موضوع در روایات مختلفی مورد تأکید و اهمیت قرار گرفته است. ترویج فرهنگ صلح و دوستی بین افراد جامعه اسلامی یکی از مطالب مورد اهتمام در آموزه‌های دینی اسلام می‌باشد. در آموزه‌های دینی، احقاق حقوق بزه دیده دارای مبانی دینی خاصی بوده که در آیات شریفه قرآنی و روایات معتبر به آن اهمیت فراوانی داده می‌شود.

۳.۱. تسالم و سازش بین طرفین اختلاف

مصلحه و سازش بین افراد در آموزه‌های اسلامی دارای اهمیت بسزایی بوده تا جایی که جهت نیل به این مقصود، برخی از امور دارای مفسده، جائز مباح می‌گردد؛ بدین جهت برخی مفسران، در ذیل آیه‌ای ۱۱۴ نساء، با استناد به روایات قائل به تصدیق این موضوع جهت ایجاد خوشبینی و الفت میان مردم گذشته‌اند (صادقی، ۱۴۰۶: ۳۳۱). بدین جهت در حدیثی امام صادق (ع) سخن‌ها را به سه نوع تقسیم نموده‌اند سخن راست، دروغ، اصلاح بین مردم و آن شنیدن سخن از کسی علیه فرد دیگر که چنین سخنی باعث رنجش و قطع رابطه آن‌ها می‌گردد که می‌توان بجای حقیقت به جهت وجود مصلحت رابطه آنان، قول به تمجید و ستایش را ذکر نمود (الحویزی، ۱۴۲۶، ۱، ۵۶۰).

موضوع اصلاح ذات البین در روایات اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشته و این موضوع چنان اهمیتی دارد که در روایات، از مصادیق عمل نیک و تقوی معرفی شده و در کنار امر به معروف و صدقه ذکر گردیده است. درحقیقت فرد با چنین احسانی، زکات حیثیت و جایگاه اجتماعی خویش را می‌پردازد. امام علی (ع) می‌فرماید: «همان‌گونه که خداوند ادای زکات اموالتان را واجب نموده، زکات نفوذ و حیثیت اجتماعیتان را واجب کرده است.» (طبرسی، بی‌تا، ۳، ۱۶۷). فرد با اصلاح روابط باعث نهادینه شدن الگوهای صحیح و زودود شدن اختلاف و کینه‌توزی در سطح جامعه می‌گردد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی این موضوع را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند: «آیا تو را از صدقه‌ای آگاه نمایم که خداوند متعال و پیامبرش آن را دوست دارد: «وقتی که مردم با هم دشمن می‌شوند، بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار کن و هنگامی که از هم دور می‌شوند آن‌ها را به هم نزدیک نما» (کلینی، ۱۳۷۵، ۲: ۲۱۰). بدین جهت موضوع اختلاف در خانواده به قاضی تحکیم، واگذار گردیده است. بدین جهت، ارجاع دعاوی به قاضی تحکیم از سنت نبوی (ص) و سیره معصومین (ع) قلمداد گردیده شده است (الموردی، ۱۳۹۵، ۲: ۳۶۵).

امام علی (ع) در واپسین روزهای حیات مبارک خویش، وصیت خویش را مبنی بر سفارش به پرهیزگاری، نظم در امور و اصلاح ذات البین قرار دادند و جهت اهمیت رفع اختلاف و مخاصمه از زندگی مردم، با استناد به روایتی از پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلاة و الصیام» «اصلاح ذات البین از نماز و روزه برتر می‌باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). بدین جهت در روایات مختلف، موضوع سازش و رفع تنازع و اختلاف مورد تأکید قرار گرفته است و مسلمانان را به برقراری صلح و آشتی بین خود و دیگران تشویق نموده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۲: ۱۶۲۲).

۳.۲. گذشت و عفو بین طرفین

یکی از موضوعات مهم واسازی جهت رفع کدورت و اختلاف، موضوع عفو و گذشت می‌باشد که مورد تأکید قرآن و روایات معتبر قرار گرفته است. قرآن کریم عفو و گذشت را از ویژگی‌های محسنین دانسته است (آل عمران/۱۳۴). مطابق تصریح آیات قرآنی، صرف عمل مجرمانه باعث مطرود گشتن شخص از جامعه نمی‌گردد بدین جهت چنین مبنایی مورد تأیید قرآن قرار گرفته است و آن را ستوده است (بقره: ۱۷۸). بلکه با گذشت مجنی علیه و جبران خسارات وارده، زمینه رابطه عاطفی و ارتباط مسالمت‌آمیز بین افراد جامعه حاکم می‌گردد. عفو و گذشت در روایات، باعث ازدیاد عزت معرفی شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ۲: ۱۰۸).

اصل جبران خسارت بزه دیده، مورد تأکید روایات اسلامی قرار گرفته است به طوری که شخص بزه‌کار در مقابل بزه دیده و وارثان وی، مسئولیت دارد و ایشان فقط مستحق دریافت خسارات وارده می‌باشند (طوسی، ۱۳۶۳، ۴: ۲۶۱). و در زمرهٔ سیره و روش پیام‌آوران الهی و پرهیزگاران شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱: ۴۲۳). دلیل اهمیت این موضوع در بوجود آمدن زمینه تغییر و اصلاح رفتار فرد می‌باشد (نوری، ۱۳۶۸، ۲، ۷۸). اراده مجنی علیه نقش مؤثری در تعقیب کیفری مجرم خواهد داشت و می‌تواند با مصالحه، موجبات تعقیب و مجازات را توقیف نماید. چنین حقی در متون روایی مورد اهمیت و تأکید قرار گرفته است (حرعاملی، ۱۳۷۸، ۱۸، ۳۳۱). مسلماً چنین طرز بیان توسط قرآن، حاکی از بیان تربیتی دارد که افراد، افتخار خود را در عفو بدانند، قطعاً در این موارد راه انتقام را پیش نخواهند گرفت بنابراین تنها حکمی که ممکن است سعادت مردم را تأمین کند، همان قصاص به انضمام جواز عفو و گذشت است (طباطبایی، ۱۹۷۳، ۱: ۶۲۶).

۱. جریان و تحقق اصلاح ذات البین در قوانین موضوعه

۲. قانون اساسی

مطابق اصل ۶۱ قانون اساسی، حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش عدالت و اقامه حدود الهی بر عهده دادگاه‌های دادگستری می‌باشد که این موضوع در اصل ۱۵۹ تصریح گردیده است که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری، دادگستری می‌باشد لکن جلوگیری از اطاله دادرسی و نهادینه نمودن فرهنگ صلح و سازش، جزء وظایف خطیر قوه قضائیه می‌باشد حتی بنا بر رأی دیوان عالی کشور (رأی وحدت رویه ۵۰۶-۵۰۷/۱۰/۶۷). مصوبه هیئت وزیران نیز نمیتواند رسیدگی به اختلافات میان دستگاه‌های قضایی را سلب نموده و آن را به نهادهای حقوقی قوه مجریه تفویض نماید (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). مطابق ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، بخشی از مسئولیت قضایی - به منظور کاهش مراجعات مردمی و توسعه مشارکتهای مردمی - به شوراهای حل اختلاف واگذار گردیده است.

۳. قانون آیین دادرسی مدنی

در قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ مقرراتی درخصوص سازش طرفین دعوی وضع نموده است. طبق ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در هر مرحله از دادرسی مدنی، طرفین می‌توانند دعوی خود را به روش سازش خاتمه دهند. همچنین به موجب ماده ۱۸۰ همین قانون، سازش بین طرفین، در دفتر اسناد رسمی یا در دادگاه واقع می‌شود و همچنین ممکن است که در خارج از دادگاه نیز واقع شود که در این صورت سازش نامه غیررسمی است. مطابق ذیل ماده ۱۸۴ همین قانون، مفاد سازشنامه در مورد سازش دعوی مطروحه یا دعوی دیگر نسبت به طرفین، وراثت و قائم مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر می‌باشد و چگونگی اجرای آن را همانند اجرای احکام دادگاه‌های دادگستری می‌باشد که به موقع به اجرا گذاشته می‌شوند.

۴. قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱

سازش در امور خانوادگی از پر کاربردترین راه‌های حل اختلاف می‌باشد. اصطلاح حکمیت که جایگزین لفظ داوری در امور خانواده شده نیز بابت ترویج صلح و سازش میان زوجین می‌باشد. طبق ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ در تمام موارد درخواست طلاق، به غیر از طلاق توافقی، دادگاه مکلف است جهت ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع نماید. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی خویش را صادر نماید و اگر آن را قبول نداشته باشد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد می‌کند. طبق ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق زوج‌هایی که قصد دارند طلاق بگیرند و از یکدیگر جدا شوند برای رسیدگی به اختلاف خود، باید به دادگاه مدنی خاص مراجعه کنند و اقامه‌ی دعوا نمایند و فقط در صورتی که اختلاف میان زوجین از طریق دادگاه و حکمین هر دو طرف، حل و فصل نگردد، دادگاه از طریق صدور گواهی عدم امکان سازش زوجین را به دفتر رسمی طلاق می‌فرستد. ثبت طلاق نیازمند گواهی عدم امکان سازش است و هیچ سردفتری حق ثبت طلاق بدون گواهی عدم سازش را ندارد والا تخلف محسوب می‌شود و سردفتر خاطی سلب صلاحیت می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم و اساسی در روند کاهش اطاله دادرسی و کاستن از دعاوی قضایی، نهادینه نمودن فرهنگ تسالم و سازش

و رفع خصومت به وسیله نهادهای مردمی و غیردولتی با نظارت سیستم قضایی کشور می‌باشد. این ضرورت در آیات شریفه قرآنی و روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. آیات قرآنی، صلح و سازش بین مومنان را از اسباب لطف و رحمت الهی معرفی نموده است و جهت فراهم نمودن مسیر اصلاح و سازش در بنیان خانواده، نهاد حکمیت و داوری بنیان نهاده است تا از گسستگی روابط زوجین جلوگیری به عمل آید. از آنجایی که اصلاح ذات البین تأثیر بسیاری در تحکیم مبانی خانواده دارد، این مسئولیت به عهده عموم افراد جامعه می‌باشد. این موضوع در قوانین موضوعه، مدنظر قانون‌گذار در دعاوی حقوقی و کیفری قرار گرفته است به طوری که مطابق ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، بخشی از مسئولیت قضایی به منظور کاهش مراجعات مردمی و توسعه مشارکت‌های مردمی به شوراهای حل اختلاف واگذار گردیده است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بنیابین، تهران.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۶۸م)، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی.
- آنسل، مارک (۱۳۷۰)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ایرندآبادی، تهران.
- التیمی المغربي، نعمان بن محمد (۱۳۸۳)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام، الطبعة الثانية، قاهره: دارالمعارف.
- جوادى أملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- حاج سید جوادى، صدر، خرمشاهی، احمد بهاء‌الدین (۱۳۷۵) و...؛ دایره المعارف تشیع، تهران محلی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم: تبیان.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، الارشاد، قم: موسسه نشر الاسلامی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳)، کتاب الام، بیروت، دارالفکر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۴)، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
- صادقی، محمدهادی، قضاودایی در حقوق جزای اسلامی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۵ و ۱۶.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۹۷۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۷)، الخلاف، قم: موسسه نشر الاسلامی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۳)، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، امین‌الدین ابوعلی‌الفضل (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- رهامی، محسن (۱۳۸۵)، زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۲۲)، المفردات فی غریب القرآن، مصحح: داودی، صفوان عدنان، دارالشامیه، بیروت، لبنان.
- فخررازی، محمد (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عاملی، زینالدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۲۶)، تفسیر نورالثقلین، قم: دارالتفسیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، تهران: انتشارات اسوه.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳)، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، تهران: کانون وکلای مرکز.
- محمودی، جواد، قضاودایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی الهیات و حقوق، بهار ۱۳۸۵، دوره نوزدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۳)، اخلاق در قرآن، قم: موسسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- مکارم شیرازی (۱۳۶۱)، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، بحار الانوار (۱۴۰۳)، چاپ دوم، لبنان: موسسه الوفاء.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۹)، شرائع الاسلام، بیروت: موسسه الوفاء.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۲)، تقریرات درس خارج قضا، قم: انتشارات دارالعلم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- الماوردی، علی بن محمد (۱۳۹۵)، ادب القاضی، احیاء التراث العربی.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

